

یوگسلاوی، کشوری با ویژگیهای طبیعی و انسانی متنوع و منحصر

YUGOSLAVIA A COUNTRY WITH DIFFERENT AND SPECIFIC NATURAL AND HUMAN CHARACTERS

By: Bijan Rahmani (Dr)

University of Shahid Beheshti

The Socialist Federal Republic of Yugoslavia Situated in the South-East of Europe consist of six republics (Bosnia - herzogovine, Croatia, Serbia, Macedonia, and slovenia) and two autonomous regions (kosovo and Vojvodina).

After the death of Tito (1981), ethnic conflict began nearly in all parts of country and collaps of communism in Europe affected this country and now facing numerous problems.

پرداختن به مسائل اروپای در حال تحول امروز همراه با این مشکل است که مطلب نگاشته شده در یک برهه از زمان، در معرض دگرگونیها و تغییرات از روزی به روز دیگر کهنه شده و احتمالاً بی اعتبار می شود. یوگسلاوی به عنوان یک کشور اروپایی هم متأثر از مسائل قاره ای است و هم درگیر آشفتگیها و ناآرامیهای داخلی. بنابراین خوانندگان با عنایت به نکات فوق و فاصله زمانی بین درج این سطور و انتشار آن احتمال هرگونه تغییر و تحول در اوضاع را در نظر خواهند داشت. علی رغم آن که تلاش شده است اوضاع فوق در مباحث مطرح شده دارای حداقل تأثیر باشند. بدین نکته نیز اشاره شود که در این جا هدف بررسی تمامی مسائل جغرافیایی یوگسلاوی نبوده بلکه منظور اصلی بیان بارزترین ویژگیها و شاخصهای طبیعی و انسانی است که یا در مقیاس ملی مطرح است و یا در هر جمهوری بدانها برمی خوریم.

از سویی از آن جا که کتب و نشریات چاپ شده در دو جمهوری کرواسی و صربیا با توجه به دیدگاههای خاص ناسیونالیستی نویسندگان کروات و صرب و رقابت دیرینه این دو جامعه صورت می پذیرد سعی شده است از ورود اغراق نویسیهای متداول در این گونه شرایط

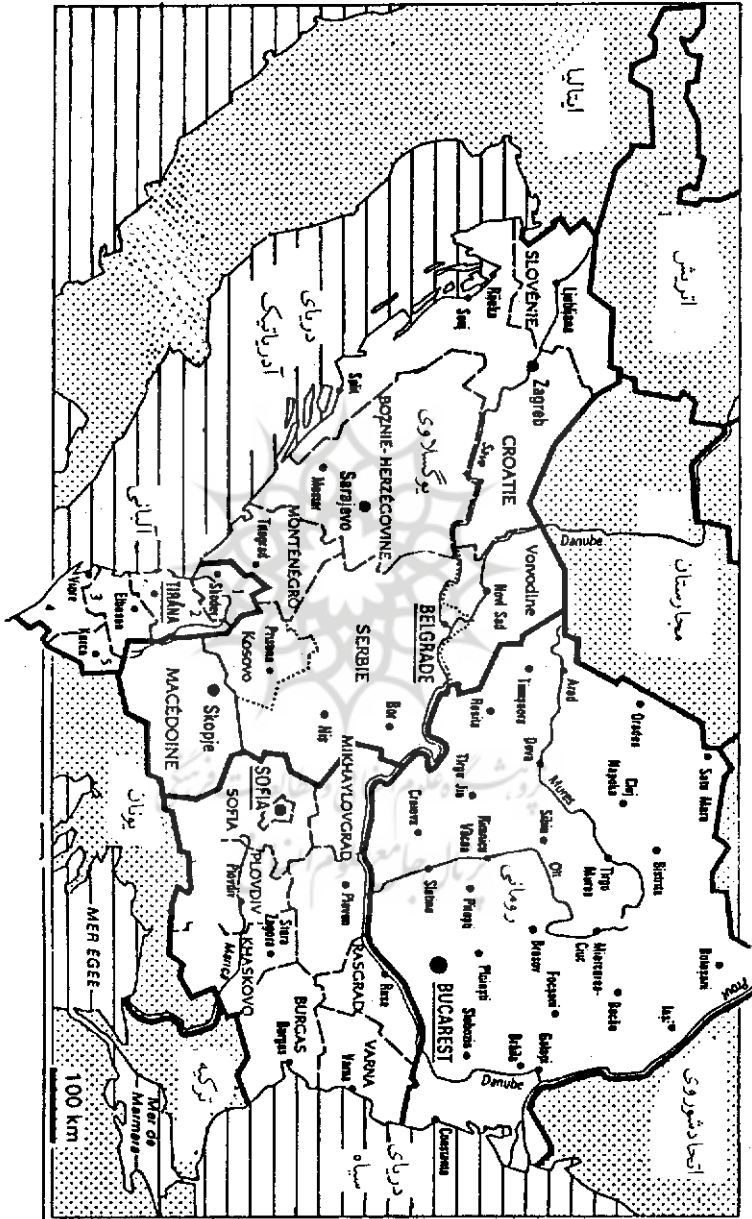
احتراز شده و حتی الامکان از منابع بی طرف استفاده شود.

جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی^۱ کشوری است که در تقسیم‌بندی اروپا به سه بخش شمالی، مرکزی و جنوبی، در جنوب شرقی آن واقع شده است. گستردگی قابل ملاحظه آن از غرب به شرق به گونه ای است که غرب آن را می توان قسمتی از اروپای مرکزی و شرق آن را مربوط به شبه جزیره بالکان دانست. هر چند که در تقسیمات جغرافیایی از جمله کشورهای حوضه بالکان به حساب می آید. (نقشه شماره ۱).

یوگسلاوی به مقتضای موقعیت جغرافیایی خود متأثر از مسائل سه واحد جغرافیایی اروپا، آسیا و حوضه بالکان، دارای تاریخی پر از نشیب و فراز، و برخوردار از ویژگیهای طبیعی و انسانی فراوان است. از دیدگاه جغرافیای طبیعی و بخصوص ژئومورفولوژی دارای پدیده‌های منحصر و نمونه و از لحاظ جغرافیای انسانی و مردم‌شناسی دربرگیرنده نکات فراوان و قابل بررسی است.

تحولاتی که در مجموعه کشورهای سوسیالیستی اروپا در جریان سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ رخ داد این کشور را نیز که راه و روشی مستقل از دیگر دول سوسیالیستی داشت متأثر کرد و به تمایلات گوناگون از استقلال طلبی و تغییر مرزها گرفته تا ورود به اروپای متحد و حصول به اقتصاد مبتنی بر بازار دامن زد و آنان را شدت و سرعت بیشتری بخشید. فضای ایجاد شده به گونه ای بود که تمامی اندیشه‌ها و برنامه‌هایی که تا قبل از مرگ ژوزف بورس‌تیتو (۱۹۸۰-۱۸۹۲) فردی که ۳۵ سال از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰ این کشور را رهبری می‌کرد، بیان آنها متداول نبود و بعد از وی و در دوران اداره کشور به وسیله شورای هشت نفره نمایندگان شش جمهوری و دو منطقه خودمختار نیز به صورتی محتاط آمیز در طول ده سال بتدریج ظاهر می شد، یکباره آشکار شد و بدین ترتیب کشور در مسیر دگرگونیها و تغییراتی قرار گرفت که در واقع از قرن‌ها پیش آغاز شده و هنوز ادامه دارد.

در زمینه آنچه که به سوابق ژئوپلیتیک یوگسلاوی مربوط می شود می توان گفت که تقسیمات سیاسی خارجی و داخلی آن بارها از زمان حمله نیروهای عثمانی و آغاز تسلط این امپراتوری بر غالب نقاط حوضه بالکان در سال ۱۳۸۹ و متعاقب آن تلاش امپراتوری اتریش-مجارستان برای دستیابی بر این منطقه و بالاخره هجومهای گاه و بیگاه حکومت‌های ناحیه ای



نقشه شماره ۱ - کشورهای عضو حوزه بالکان

نظیر جمهوریهای با واریا و ونیز دچار دگرگونی و جابجائی شده است. متعاقب آن نیز مهاجرتها، تبعیدهای گروهی اقدام و جابجایی های جمعیتی و خلاصه تحمیلات دول مسلط همگی باعث شده اند در محدوده جغرافیایی یوگسلاوی کنونی اولاً یکی از نامتجانسترین ترکیبهای قومی و جمعیتی تشکیل یابد و ثانیاً یکی از نامناسبترین سیستمهای مرزی ایجاد شود. تا بدان حد که در شرایط کنونی و برطبق آخرین تقسیمات درونی و بین المللی آن نقاط بحران زا و انفجار آمیز متعددی مشاهده می شود. در تعیین خطوط مرزی داخلی با همه محاسباتی که برای تطبیق مرزها بر واحدهای فرهنگی موجود صورت پذیرفت، بازهم در هیچ یک از جمهوریها که در واقع همان واحدهای فرهنگی می باشند کمتر از سه قوم مختلف مستقر نشده اند، و همان گونه که می دانیم در موارد فراوان همجواریهای نادرست قومی منجر به درگیریهای اجتماعی و نظامی شده است و مهمترین عامل برای تجزیه و فروپاشی فدراسیون یوگسلاوی محسوب می شود. (جنگهای قومی بین صربها و کرواتها در جمهوری کرواسی در تابستان ۱۹۹۱ که نگارنده شاهد آنها بوده است بارزترین نمونه و شدیدترین درگیری بین قومی بعد از جنگ جهانی دوم می باشد که به دنبال اعلام استقلال کرواسی و مقاومت اقلیت صربها در مقابل آن بروز کرد.)

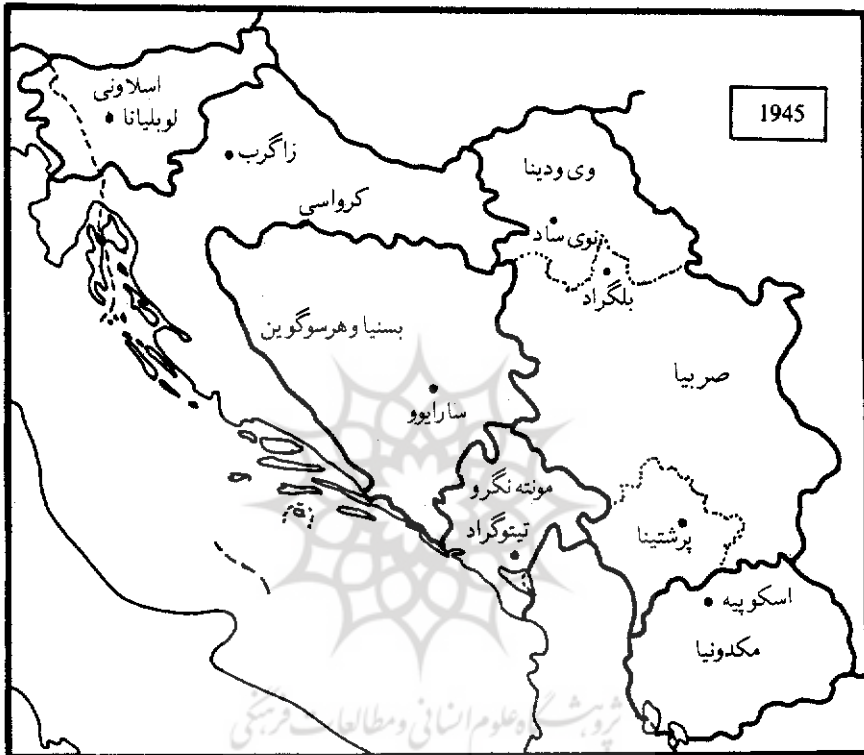
اصولاً باید براین نکته اساسی تاکید نمود که دول واقع در حوضه بالکان آلبانی، یونان، بلغارستان، رومانی و یوگسلاوی به خاطر داشتن شبکه ای از مرزهای تحمیلی همراه با عدم توجه به مناسبات و مصالح جغرافیایی، در منازعات مرزی دارای سابقه ای طولانیند و هنوز بعد از سالها نقاطی وجود دارند که مالکیت آنها مورد ادعای یک یا چند کشور است. جنوب آلبانی در نقطه ای به نام اپیروس شمالی (EPIRUS) واقع در مرز یونان- بخشی از منطقه مكدونیا^۲ (MACEDONIA) یا مقدونیه بین آلبانی، یونان و بلغارستان، بوبونیا بین دو کشور رومانی و بلغارستان، ترانسیلوانیا بین مجارستان و رومانی و در مورد یوگسلاوی، منطقه کوسوو (KOSOVO) بین این کشور و آلبانی و بالاخره وی و دینا (VOJVODINA) بین یوگسلاوی و مجارستان، از جمله نقاط ناآرام و مورد اختلافند. و همان گونه که ملاحظه می شود تعدد و تراکم این همه نقاط بحرانی در یک محدوده نه چندان وسیع (حدود یک میلیون کیلومتر مربع) حاکی از منظور نداشتن مصالح و مناسبات جغرافیایی و تحمیلات در

۲- در زبانهای انگلیسی و فرانسه نام این جمهوری مسدونیا تلفظ می شود، در حالی که نام یوگسلاوآن مكدونیا می باشد و در ایران با نام مقدونیه شهرت دارد.

تعیین شبکه مرزها می باشد. در حال حاضر دولتهای ذی نفع دارای این مشکل هستند که چگونه به تقاضاهای روزافزون تجدیدنظر در تقسیم بندیها و نحوه برخورد با اقلیتها پاسخی ارائه دهند.

یوگسلاوی با موقعیت جغرافیایی فعلی در سال ۱۹۴۵ و بعد از به قدرت رسیدن تیتو موجودیت یافت (نقشه شماره ۲) وی برخوردار از محبوبیت در بین جوامع گوناگون قومی، ناشی از نقش مبارزاتی در مقابل اشغالگران نازی و ایتالیا کشور را با پیچیده ترین روابط فرهنگی و مذهبی و اجتماعی و با گذشته ای پرحادثه بنیان نهاد. در واقع شاید اگر به دلیل موقعیت استثنایی تیتو نبود شاید هیچ گاه کشوری با چهارچوب فدراسیون یوگسلاوی در نقشه قاره اروپا ظاهر نمی شد. خلاء ناشی از مرگ تیتو در طول دهه هشتاد اوضاعی را فراهم آورد که لرزان بودن بنای فدراسیون شش گانه را بیش از پیش آشکار ساخت. متعاقباً از یک سونیاز به قوانینی که جامعیت لازم برای پوشش دادن به کلیه جوامع را داشته باشد احساس شد و از سوی دیگر مسأله نحوه اداره کشور که در زمان تیتو به وسیله شخص وی به عنوان رئیس جمهوری صورت می گرفت مطرح گردید. قانون اساسی که بعد از جنگ جهانی دوم تدوین یافته بود قبلاً چهار بار تغییر کرده و باز هم لزوم گنجاندن اصولی جدیدتر به آن پیش آمد. دو اصل اعطای خودمختاری به منطقه آلبانیائی تبارنشین «کسوو» و اداره کشور به وسیله یک گروه هشت نفره متشکل از نمایندگان جمهوریها و مناطق خودمختار «کسوو» ای و وی و دینا آخرین اصلی بوده است که تا کنون به قانون اساسی افزوده شد. مناطق قومی فوق به خودمختاری دست یافته و جمهوریهای صربیا (SERBIA)، مكدونیا (MACEDONIA) یا مقدونیه، مونته نگرو (MONTE-NEGRO) بسنیا و هرسوگوین (BOSNIA) و هرسگووین (HERSEGOVINE)، کرواسی (CROATIE) و اسلاونی (SLOVANIE) به علاوه کسوو، وی و دینا که مناطق اقلیت نشین واقع در جمهوری صربیا هستند، هر کدام با یک نماینده و با ریاست هریک از نمایندگان به مدت یک سال به عنوان رئیس شورای ریاست جمهوری فدراسیون یوگسلاوی کار رهبری کشور را برعهده گرفتند آنچه که اکنون (در سال ۱۹۹۱) مشاهده می شود و از سالها قبل قابل پیش بینی بود، اعتراض به نقش صربها در ترکیب شورای رهبری کشور (صربیا به اتفاق دو نماینده از دو منطقه کسوو وی و دینا عملاً دارای سه نماینده در شورای ۸ نفره کشور است)، تقاضای استقلال از سوی دو جمهوری کرواسی و اسلاوانی، ابراز ناخوشایندی از سیستم اقتصادی حاکم و تمایل به پیوستن به

کشورهای سرمایه‌دار اروپا و غیره که هرکدام برای برهم ریختن نظام یک کشور کفایت می‌کنند درگیر کشوری شد که از قبل نیز درگیر مسائل اقتصادی شدیدی بود.



نقشه شماره ۲ - جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی بعد از جنگ جهانی دوم

از آن‌جا که ریشه‌های فرهنگی و به عبارت دقیق‌تر «اتنوگرافیک» در بحران کشور کاملاً مشخص است و زمینه‌ساز آشفته‌گیهای اجتماعی جاری است، شاید بی‌مناسبت نباشد به مسائل مربوط به آنها اشاره کنیم.

به طور کلی سه فضای فرهنگی متمایز از یکدیگر در یوگسلاوی به چشم می‌خورد:

۱ - آنچه که در شرق یعنی در جمهوریهای مكدونیا، صربیا، و مونته‌نگرو می‌توان مشاهده کرد، بخشی که تأثیرات فراوانی از حضور ۴۰۰ ساله ترکهای عثمانی پذیرفت ولی در عین حال با حفظ مذهب ارتدکس و شیوه‌های زندگی مردمان بالکانیک دارای

جو فرهنگي خاصی است که صرفاً منحصر به همین قسمت می باشد.

۲- فضای فرهنگی حاکم بر جمهوری بسنیا و هرسوگوین و منطقه خودمختار کسوو. در این پهنه فرهنگی به خوبی غلبه نفوذ فرهنگ عثمانی را همراه با ارزش های دین اسلام که ارمغان مبلغان مذهبی مسلمان برای گسترش هرچه بیشتر این دین در بالکان بوده است مشاهده می شود. سارایوو (SARAJEVO) مرکز فعلی بسنیا و هرسوگوین در آن زمان به عنوان جایگاه اصلی انتشار و تبلیغات مذهبی امپراتوری عثمانی انتخاب شده بود بزرگترین مرکز اسلامی در حوضه بالکان به حساب می آمد.

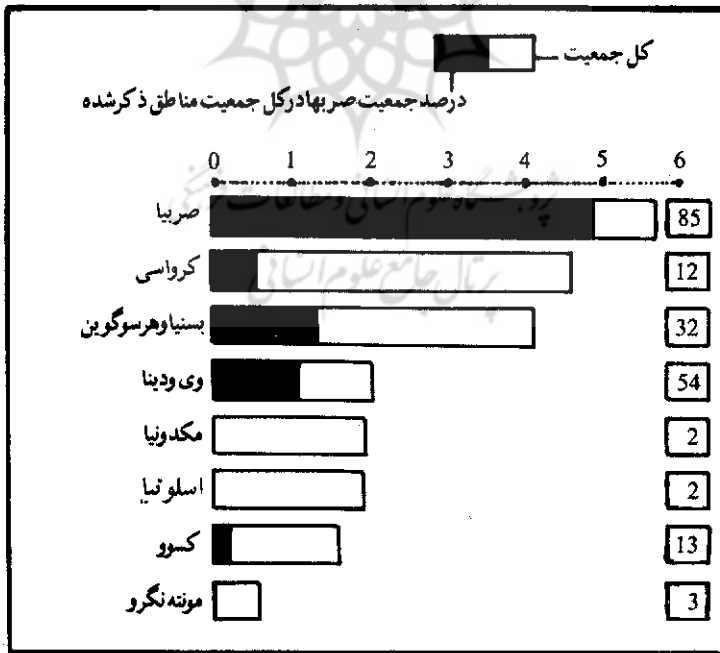
۳- چشم انداز فرهنگی منحصر به دو جمهوری اسلاونی و کرواسی و در منتهی الیه شمال غرب، شاخصهای فرهنگ اروپای مرکزی (یا همان فرهنگ باروک) به خوبی در شمالترین محدوده کشور نمایان است. حضور امپراتوری اتریش- مجارستان در این قسمت و عدم دسترسی نیروهای امپراتوری عثمانی، در ترویج و تحکیم مبانی فرهنگی اروپای مرکزی بی تأثیر نبوده است. بدین ترتیب شیوه های زندگی و آداب و رسوم مردمان اسلاووگرووات یعنی ساکنان دو جمهوری فوق با فرهنگ آورده شده از سوی نیروهای حاکم تلفیق یافته که می توان دو جمهوری اسلاونی و کرواسی را تجلی گاه آن به حساب آورد.

جدول شماره ۱- شاخصهای دموگرافیک مربوط به اقوام و اقلیتهای نژادی را در مجموعه کشور نشان می دهد.

جوامع گوناگون تشکیل دهنده جمعیت یوگسلاوی	۱۹۴۸		۱۹۸۱	
	جمعیت	%	جمعیت	%
	۱۵۷۷۲۰۹۸	۱۰۰	۲۲۴۲۷۵۸۶	۱۰۰
جوامع اصلی:				
- مونته نگرویی ها	۴۲۶۷۰۳	۲/۷	۵۷۹۰۴۳	۲/۶
- کرواتها	۳۷۸۴۳۵۳	۲۴	۴۴۲۸۰۴۳	۱۹/۸
- مکدونها	۸۱۰۱۲۶	۵/۱	۱۳۴۱۵۹۸	۸/۹
- مسلمانها	۸۰۸۹۲۱	۵/۱	۱۹۹۹۸۹۰	۸/۹
- اسلاونها	۱۴۱۵۴۳۲	۹	۱۷۵۳۵۷۱	۷/۸
- صربها	۶۵۴۷۱۱۷	۴۱/۵	۸۱۴۰۵۰۷	۳۶/۳

ادامه جدول شماره ۱

جوامع گوناگون تشکیل دهنده جمعیت یوگسلاوی	۱۹۴۸		۱۹۸۱	
	جمعیت	%	جمعیت	%
	۱۵۷۷۲۰۹۸	۱۰۰	۲۲۴۲۷۵۸۶	۱۰۰
جوامع فرعی:				
- آلبانیایی ها	۷۵۰۴۳۱	۴/۸	۱۷۳۰۸۷۸	۷۷
- بلغارها	۶۱۱۴۰	۰/۴	۳۶۱۸۹	۰/۲
- چکها	۳۹۰۱۵	۰/۲	۱۹۹۲۴	۰/۱
- ایتالیایی ها	۷۹۵۷۶	۰/۵	۱۵۱۳۲	۰/۱
- مجارها	۴۹۶۴۹۲	۳/۲	۴۲۶۸۶۷	۱/۹
- رومانیایی ها	۶۴۰۹۵	۰/۴	۲۳۲۸۶	۰/۱
- اسلواک ها	۸۳۶۲۶	۰/۵	۸۰۳۳۴	۰/۴
- ترک ها	۹۷۹۵۴	۰/۶	۱۰۱۲۹۱	۰/۵



نمودار شماره ۱ - درصد جمعیت صربها در کل جمعیت مناطق ذکر شده کشور

علاوه بر تنوع فرهنگی فوق به خاطر داشته باشیم که یوگسلاوی از جهت تعداد مذاهب و پیروان هریک در اروپا بازهم حائز شرایطی ویژه است. مسیحیان ارتدکس طرفدار کلیسای یونان (نزدیک به ۱۳ میلیون نفر) مسیحیان کاتولیک رومن (حدود ۶ میلیون نفر) و مسلمانان (تقریباً ۳ میلیون نفر) هر کدام بخشی از جمعیت ۲۲۴۲۴۷۱۱ نفری کشور را تشکیل می‌دهند^۳. پراکنندگی جغرافیایی سه مذهب فوق بدین گونه است که ارتدکس‌ها در جمهوری‌های مكدونیا، مونته‌نگرو و صربیا به سر می‌برند. مسلمانان در بسنیا و هرسوگوین و کاتولیک‌ها در دو جمهوری کرواسی و اسلاونی مستقر هستند. ولی جابجاییها و مهاجرت‌های متعدد باعث شد که مسلمانها ارتدکس‌ها و کاتولیک‌ها در کنار یکدیگر در جمهوریهای شش‌گانه قرار گیرند. در این مورد می‌توان به دو مثال اشاره کرد که بزرگترین مسجد مسلمانان در یوگسلاوی و اروپا در شهر زاگرب پایتخت کرواسی احداث شده است، و یا در جمهوری مسلمان‌نشین بسنیا و هرسوگوین به کلیساهای فراوان ارتدکس و کاتولیک بر می‌خوریم.

هرچند در دوران حاکمیت سوسیالیزم (۱۹۸۹ - ۱۹۴۵) تلاشهایی بر کم‌رنگ نمودن مذهب به عمل آمد ولی برنامه‌های موردنظری ثمر مانده و به محض آغاز دگرگونیها که اوج آن را می‌توان سال ۱۹۹۰ برای یوگسلاوی دانست دوباره علائق مذهبی علناً و در کنار دیگر عناصر فرهنگی جای گذشته خود را بازیافت.

در ادامه و با توجه به تنوع در مسائل و واقعیتهای انسانی و طبیعی هریک از جمهوریهای شش‌گانه و در دو منطقه خودمختار به بررسی جداگانه هریک از آنها می‌پردازیم:

صربیا:

این جمهوری که در ایران با نام صربستان شناخته می‌شود با وسعت ۸۸۳۶۱ کیلو-متر مربع (۳۴/۵٪ کل کشور) و ۹۳۱۳۶۷۶ نفر جمعیت (سال ۱۹۸۱) بزرگترین و

۳ - آخرین سرشماری انجام گرفته و همگی آمارهای ارائه شده مربوط به سال ۱۹۸۱ می‌باشد به جز در مواردی که سال موردنظر ذکر شده است. سرشماری جدید در سال ۱۹۹۱ با توجه به شرایط بحرانی موجود هنوز صورت نگرفته است. آمارهای مربوط به بخش توریسم با توجه به اهمیت اقتصادی آن تاکنون هر ساله منتشر شده و ربطی با سرشماریهای عمومی کشور ندارد.

پرجمعیت‌ترین جمهوری در فدراسیون یوگسلاوی به حساب نمی‌آید. از جمعیت فوق ۵۶۹۴۰۰۰ نفر در صربیا زندگی می‌کنند، ۲۰۳۴۷۷۲ نفر در وی و ۱۵۸۴۴۴۰ نفر در کوسوو به سر می‌برند. تعداد جمعیت فوق ترکیبی است از: ۶۱۸۵۱۵۵ نفر صرب (۸/۶۶٪)، ۱۳۰۳۰۳۴ نفر آلبانیایی تبار (۱۴٪)، ۱۴۹۳۶۳۰ نفر کروات (۱/۶٪)، ۲۱۵۱۶۶ نفر مسلمان (۱/۷٪) و بالاخره ۴۴۱۹۴۱ نفر یوگسلاو (۴/۸٪).^۴

این جمهوری نظیر سه جمهوری دیگر مكدونیا، مونته‌نگرو و بسنیا و هرسوگوین از سال ۱۳۸۹ میلادی زیرسلطهٔ امپراتوری عثمانی رفت و بعد از ۴ قرن در سال ۱۹۱۲ به دنبال جنگ کوسوو (KOSOVO RATA) به آزادی دست یافت و بعد از آن به عنوان یکی از جمهوریهای سه‌گانه، همراه با کرواسی و اسلاونی پادشاهی یوگسلاوی (KINGDOM OF YUGOSLAVIA) را تشکیل داد که این حکومت نیز تا سال ۱۹۴۵ و به قدرت رسیدن تیتو ادامه داشت (نقشه شماره ۳) مهاجرت صربها به سوی مناطق غربی تر به دنبال ورود ترکهای عثمانی صورت گرفت و اصولاً اولین هسته‌های تداخل و تلفیق در جهت یوگسلاوی کنونی از همین زمان آغاز شد.

نمودار موجود گویای این موضوع است که چگونه صربها تقریباً در تمامی نقاط و جمهوریها با جمعیتی قابل ملاحظه استقرار یافته و در واقع بیشترین پراکندگی قومی را به خود اختصاص داده‌اند و بدین ترتیب است که نقش صربها در مسائل مربوط به استقلال طلبی جمهوریها و اهمیت جمهوری صربیا در تأیید و یا عدم تأیید سیاست‌های اتخاذی دولت فدرال روشن می‌شود.

در صحنهٔ اقتصادی یوگسلاوی صربیا موقعیتی ویژه دارد. شرایط طبیعی و بخصوص سیستم ناهمواریها و شرایط توپوگرافیک به گونه‌ای است که برخلاف دیگر جمهوریها که غلبهٔ مناطق کوهستانی چشم‌گیر است، بهره‌مند از دشتهای واسطه‌ای کوچک و بزرگ است (نقشه شماره ۴) که به همراه اقلیمی نسبتاً مساعد و متنوع و وجود منابع آب تقریباً کافی به بزرگترین مرکز تولیدات محصولات کشاورزی تبدیل شده است. عبور رودخانه دانوب و شعب آن نیاز آب کشاورزی ۹۴٪ از اراضی زیرکشت صربیا و وی و دینا را برطرف

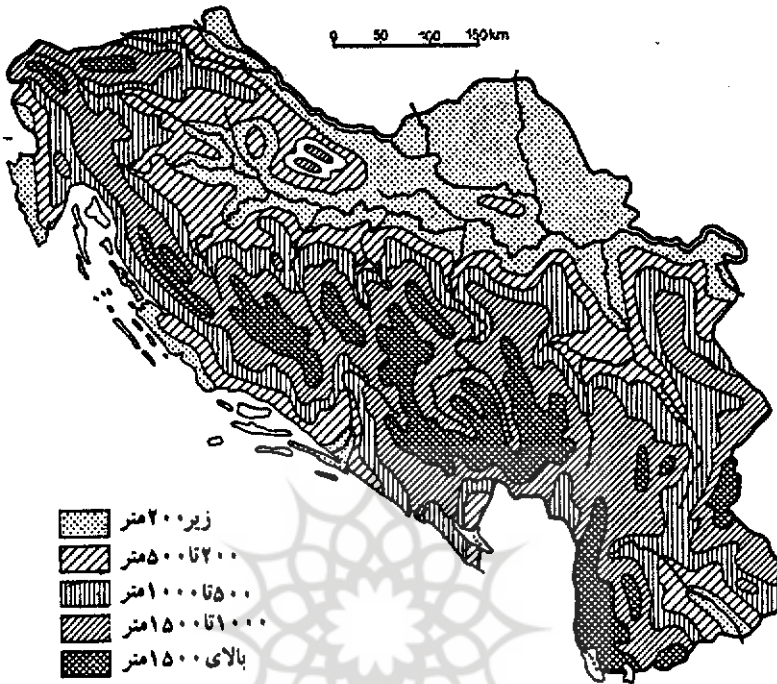
۴ - یوگسلاوها شامل دو گروهند، اول کولیهای که به طور پراکنده در یوگسلاوی زندگی می‌کنند و دوم افرادی که در سرشماریها و به هنگام پاسخ به آمارگیران به ذکر منشأ نژادی خود تمایلی ندارند و خود را «یوگسلاو» و تابع فدراسیون یوگسلاوی معرفی می‌کنند.



نقشه شماره ۳- جمهوریهای سه گانه یوگسلاوی

می‌کند، علی‌هذا در برنامه‌های گسترده‌ای که در جریان توسعه کشاورزی بعد از جنگ جهانی دوم انجام پذیرفت توجه زیادی به مدرن کردن شبکه‌های انتقال آب و گسترش آن به سوی مناطق روستائی دو طرف شد. هدفهای آمایش بعد از جنگ برای برنامه‌ریزیهای کشاورزی و صنعتی چه در صربیا و چه در مجموعه کشور اعلام شده بود عنوان «استفاده حداکثر و مطلوب از قابلیت‌ها و داده‌های طبیعی» را داشت. ضعف اقتصادی حاکم بر یوگسلاوی بعد از جنگ و در جریان دودهه ۵۰ و ۶۰ آنچنان شدید بود که امکانی برای خرید مواد کشاورزی وجود نداشت، لذا از همان ابتدا برنامه‌ریزیها شدیداً بر بسط کشاورزی و افزایش تولید متمرکز شدند.^۵

۵ - تنها کشور سوسیالیستی اروپا که از کمک مالی ایالات متحده در غالب طرحی که از سوی جرج مارشال وزیر خارجه آمریکا در دهه پنجاه برای یاری به دول جنگزده اروپائی ارائه شده یوگسلاوی بود که بخش عظیمی از کمکها به ←



نقشه شماره ۴ - شرایط توپوگرافیک یوگسلاوی

صنعتی شدن صربیا که علی‌رغم زمینه‌های لازم با سرعت و ابعادی وسیع انجام گرفت دلایل فراوان داشت، انتخاب بلگراد به عنوان پایتخت فدراسیون یوگسلاوی و تلاش برای تبدیل آن به عنوان بزرگترین و پیشرفته‌ترین شهر کشور مهمترین دلیل به حساب می‌آید. توسعه صنعت هم دارای جنبه‌های سیاسی بود و هم اقتصادی رقابت دیرینه بین صربها و کرواتها و موقعیت کرواتها با تاریخ و سوابق صنعتی و دسترسی به بزرگترین مراکز بندرگاهی کشور و صنایع دریائی، همگی باعث شدند که چه در دوران حکومت تیتو و چه در جریان دهه هشتاد با توجه به قدرت صربها در شورای ریاست جمهوری کشور صنایع گوناگون یکی پس از دیگری ایجاد شود و بدین ترتیب صربیا برخوردار از یک کشاورزی مولد و فعال به یک مرکز صنعتی نیز تبدیل شد.

این کشور صرف توسعه و مدرنیزه شدن کشاورزی گردید.

به هر حال آنچه که به تحولات اقتصادی و عوارض آن مرتبط می شود هجوم مردمان روستانشین به سوی شهرها و به دنبال آن ایجاد اشتغالات نوین در شهرها از یک سو و ورود مکانیزاسیون در عرصه کشاورزی مدرن و برهم خوردن روابط بین شهر و روستا بود.

مکدونیای:

یا مقدونیه جمهوری دیگر فدراسیون یوگسلاوی است با مساحت ۲۵۱۷۳ کیلومتر مربع (۱۰/۵ درصد کل کشور) و جمعیتی برابر با ۱۹۰۹۱۳۶ نفر که مجموعه ای است از ۱۲۷۹۳۲۳ مکدونایی (۶۷٪ از تمام جمعیت)، ۳۷۷۲۰۸ نفر آلبانیایی (۱۹/۸٪) ۸۹۵۹۱ نفر ترک (۴/۵٪) ۴۴۴۶۸ نفر صرب (۲/۳٪)، ۴۳۲۲۳ نفر رومانیایی (۲/۳٪) ۳۹۵۱۲ نفر مسلمان (۲/۱٪) و ۱۴۲۲۵ نفر یوگسلاو (۰/۷٪). (۱)

گذشته فرهنگی مکدونیای متفاوت از آنچه که در شرق یوگسلاوی مشاهده می شود نیست. بدین ترتیب که ساکنان اسلاو آن در اواخر قرن ششم از شبه جزیره ایتالیا به سوی این قسمت روی آوردند و با آغاز تسلط امپراتوری عثمانی و حضور طولانی آنان تا اثرات فراوان را از آنان پذیرفتند که جلوه های آن را می توان در مورفولوژی شهرهای نظیر اسکوپیه (SKOPJE) مرکز جمهوری اخیرید (OHRID) ملاحظه کرد. ولی مذهب ارتدکس هم چنان در این جمهوری پایدار ماند و آنچه که در بسنیا و هرسوگوین در مورد نفوذ عمیقتر دین اسلام روی داد در این جمهوری عملی نشد.

مکدونیای را می توان در ردیف مناطق کوهستانی کشور دانست. حاشیه ساحلی دریای آدریاتیک و دشت های میانی از جمله نواحی صاف و هموار آن محسوب می شوند. ادامه تشکیلات آهکی (کارستیک) که از شمال غرب به سوی جنوب شرق امتداد دارد به این جمهوری نیز می رسد، فرسایش های آهکی و عمل یخچالها منجر به ایجاد تعداد فراوانی دریاچه های کوچک و بزرگ شده اند به نحوی که عوارض طبیعی موجود علاوه برداشتن زمین های مطالعاتی غنی، از ارزشهای توریستی این جمهوری نیز محسوب می شود. مشهورترین دریاچه یخچالی به نام اخیرید در اطراف شهری به همین نام با توجه به آب و هوای گرم و مطلوب آن مهمترین نقطه توریستی در منتهی الیه جنوب شرق یوگسلاوی است. ارتفاعات مکدونیای بخشی از رشته کوه دیناریک (DINARIC) است که خود در واقع ادامه شاخه مرکزی آلپ به سوی جنوب شرق اروپا و کشور یونان است. تراکم و گستردگی

ارتفاعات به همراه خود دو مشکل اساسی صعب العبور بودن عمومی و هزینه های بالای احداث خطوط ارتباطی و تسطیح اراضی کشاورزی و کمی وسعت واحدهای زراعی را به همراه داشته است. در این جمهوری ۱۲ رودخانه کوچک و بزرگ متعلق به دو حوضه آبریز دریای آدریاتیک و اژه جریان دارد. این رودخانه ها برخلاف دانوب نقشی در حمل و نقل ندارند ولی تعدد و پراکندگی آنها از عوامل مثبت در رونق یافتن فعالیتهای کشاورزی است. شبکه آبی فوق به علاوه اقلیم مدیترانه ای حاکم مكدونیا را با وجود مشکلات و عدم مساعدت توپوگرافیک به صورت یک قطب بزرگ زراعی تبدیل نموده است. تولید محصولات نظیر برنج و توتون در مقیاسی قابل ملاحظه در این جمهوری انجام می گیرد. اصولاً به علت محدود بودن شرایط طبیعی صددرصد تولید برنج و ۸۰٪ توتون تولیدی کشور نیز در همان جمهوری به دست می آید. در سالهای اخیر سرمایه گذاریهای فراوانی بخصوص از شرکتهای آسمانی برای بالا بردن تولید و کیفیت توتون کاری صورت پذیرفته است.

دربیان اهداف توسعه کشاورزی مكدونیا بر این نکته تکیه می شود. همان گونه که یکی از انگیزه های ورود کشورهای نظیر یونان به عنوان یک کشور بالکانیک به جرگه جامعه اقتصادی اروپا توان تولیدی آن در زمینه محصولات کشاورزی مورد نیاز جامعه ذکر شده برای این جمهوری نیز با برخوردار بودن از قابلیتها و شرایط مساعد و هزینه های اندک تولید می تواند بهترین دلیل برای حضور در صحنه اقتصاد اروپای متحد قلمداد شود. به طور خلاصه می توان گفت برای این جمهوری که از صنعت و صنعتگرانی در آن چندان خبری نیست، کشاورزی دارای بیشترین ارزشهاست و بالاترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است.

مونه نگرو:

این جمهوری با نام محلی سرنوگوره (CRNO - GORE) کوچک ترین و کم جمعیت ترین جمهوری کشور است. مساحت آن ۱۳۸۱۲ کیلومتر مربع (۵/۴٪ کل کشور) و جمعیتی برابر با ۵۸۰۰۰۰ نفر دارد، از این میزان جمعیت را ۵۰۰ هزار نفر (۷۰٪) مونه نگرویی، ۸۰ هزار نفر (۱۳/۵٪) مسلمان، ۴۰ هزار نفر (۶/۵٪) آلبانیایی تبار ۳۲۰ هزار نفر (۵/۵٪) یوگسلاو، ۲۰ هزار نفر (۳/۵٪) صرب و بالاخره ۷ هزار نفر (۱/۳٪) کروات و عده ای دیگر از اقلیتهای قومی تشکیل داده اند. بدین ترتیب ملاحظه می شود که

نظیر سایر نقاط این جمهوری در مقابل یک هتروژنیتته جمعیتی کاملاً مشخص قرار دارد. تراکم جمعیت پایین و به رقم ۴۲ نفر در کیلومتر مربع در برابر متوسط ۸۸ نفر برای کشور است که پایین ترین نرخ در کشور است.

برای این جمهوری نمی توان گذشته فرهنگی جداگانه ای قائل شد، مونته نگرو پس از قرن‌ها تسلط عثمانیها در سال ۱۹۱۸ به عنوان بخشی از صربیا در داخل پادشاهی یوگسلاوی جای گرفت و در سال ۱۹۴۵ به دلیل بروز تنشهای احتمالی ناشی از حضور نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ نفر مونته نگرویی در جامعه صرب، منطقه مونته نگرو خود به یک جمهوری تبدیل و بدین ترتیب کوهستانیترین منطقه صربیا از آن جدا شد. به هر حال این امر از داشتن روابط نزدیک با جمهوری مادر یعنی صربیا جلوگیری نکرد و در شرایط حاد سیاسی حاکم بر کشور و به هنگام اتخاذ تصمیمات از سوی شورای هشت نفره رهبری یوگسلاوی، نمایندگی مونته نگرو از مواضع صربها در مقابل استقلال طلبیهای دو جمهوری کرواسی و اسلاوانی حمایت کرده است و از طرف دیگر نزدیکترین روابط اقتصادی بین این دو جمهوری برقرار است.

شاید مهمترین ویژگی این جمهوری را بتوان گستردگی تشکیلات عظیم و وسیع کارستی (آهکی) در سرتاسر آن دانست. که مشهورترین تشکیلات از این نوع در یوگسلاوی و در جهان است. زمینه‌های مطالعاتی فراوان و گوناگون باعث شد است که انستیتوهای متعدد جغرافیایی و زمین شناسی در شهر تیتوگراد (TITOGRAD) مرکز جمهوری دایر شود. یخچالها، دریاچه‌ها، ناهمواری‌ها و کانیونهای (پرتگاهها) با منشأ کارستیک با توجه منحصر به دو تیپیک بودن، مورفولوژیک آنها مورد توجه محققین در گوشه و کنار جهان است. کانیون آهکی تا را (TARA) با ۱۳۰۰ متر عمق در نزدیکی ابریر (OBZIR) اولین کانیون از لحاظ طول و عمق به حساب می آید. کانیونهای دیگری نظیر پیوا (PIVA) با ۱۲۰۰ متر عمق و مورا چاگورگر (MORAČAGORGES) با ۱۱۰۰ متر عمق در ردیف بزرگترین کانیونهای دنیا قرار دارند.

اقتصاد ضعیف کشاورزی عمده مبتنی بر کشاورزی است. فعالیتی که با وجود مشکلات فراوان از تسطیح اراضی گرفته تا هجوم نیروی انسانی از روستا به شهرها و دیگر کشورهای دیگر ادامه دارد. از سوئی صنعت نیز رونق چندانی نیافته که علت آن را می توان فقدان منابع طبیعی، موقعیت نامناسب جغرافیایی و یک سری عوامل اجتماعی و سیاسی

دانست. مجموعه شرایط فوق باعث شده است که در تقسیم‌بندی جمهوریها از لحاظ میزان درآمد سرانه مونتنگرو قبل از کسوو در پایین‌ترین رده قرار گیرد.

بسنیا و هرسوگوین:

با نام محلی بُسِنی و هرسوگوین در واقع یک منطقه فرهنگی کاملاً مجزا محسوب می‌شود که در مرکز جغرافیایی کشور و با جمعیت ۴۱۲۴۲۵۶ نفری و وسعت ۵۱۵۶۴ کیلومتر مربع قرار گرفته است. در اکثریت بودن مسلمانان باعث شده است که اصول دین اسلام تا حدود زیادی آداب و رسوم و سبک زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد. برخورد خاص مردم اسلاو و در عین حال مسلمان این جمهوری با اسلام در شیوه زندگی معماری و شهرسازی و دیگر شاخصهای فرهنگ مادی و معنوی آنها چشم‌انداز ویژه‌ای بخشیده که نظیر آن را در دیگر جوامع اسلامی نمی‌توان یافت.

در کنار مسلمانان (۲ میلیون نفر) ۳۰٪ کروات و به همین میزان از صربها زندگی می‌کنند. صربها در شمال و مجاور جمهوری صربیا و کروات‌ها در هرسوگوین و همجوار با کرواسی مستقر شده‌اند. در واقع بسنیا و هرسوگوین دو محدوده مجزا می‌باشند، بسنیا در شرق و شمال و هرسوگوین غرب جمهوری را در بر گرفته است. با توجه به موقعیت بُسِنی و هرسوگوین در نقشه شماره (۲) ملاحظه می‌شود که سارایوو درست در مرکز کشور قرار گرفته است و خود جمهوری برخلاف دیگر جمهوریها با هیچ کشوری هم مرز نیست.

در دوران حضور عثمانیها سارایوو و اصولاً بسنیا و هرسوگوین مرکز فعالیتهای تبلیغی و نظامی بود. مبلغین مذهبی ترک با احداث مدارس مذهبی در «سارایوو» و فرستادن افراد به قسطنطنیه پایتخت امپراتوری، سعی وافری در ترویج هر چه بیشتر اسلام داشتند به طوری که آثار آن را می‌توان در تعدد مساجد و بالا بودن جمعیت مسلمان در این جمهوری دانست.

خروج نیروهای عثمانی و درگیریهای بعدی بین حاکمان محلی، و امپراتوری اتریش-مجارستان و فشاری که برای تاسیس پادشاهی یوگسلاوی از سوی صربیا اعمال می‌شد نهایتاً منجر به بروز اولین جرقه‌های جنگ جهانی اول در بسنیا و هرسوگوین شد که در مدتی کوتاه تمامی اروپا را فراگرفت.

بُسنیا و هرسوگوین در قلب کوههای دیناریک واقع شده و نزدیک به ۷۰٪ مساحت آن را ناهمواریهایی با پوشش جنگلی آلپی فراگرفته است. محرومیت آن از مجاورت با دریای

آدریاتیک و تسلط فقط بر ۱۰ کیلومتر از سواحل دریا باعث شده است که آب و هوای عمومی حاکم کوهستانی دارای زمستانهای طولانی و تابستانهای کوتاه مدت باشد. ارکان اصلی اقتصاد در این جمهوری سه فعالیت کشاورزی، صنعتی و خدمات است. هرکدام از این بخشها هرچند که در شرایط بالای تولیدی و اشتغال قرار ندارند ولی مشترکاً مبانی اقتصادی این جمهوری را تشکیل داده اند. درصحنه اقتصاد کشور این جمهوری به عنوان یک مرکز بزرگ تامین کننده مواد اولیه صنعتی بخصوص ذغال سنگ شناخته می شود. منابع عظیم جنگلی بسنیا و هرسوگوین نیز به گونه ای موثر نقش فراوانی در ایجاد اشتغال و توسعه صادرات جمهوری دارد. به هر حال آنچه که قابل ذکر است عدم مساعدت توپوگرافیک و آب و هوایی برای داشتن کشاورزی مولد و پویا و دیگر عدم برخورداری از تمرکز صنایع اساسی و با اهمیت می باشد.

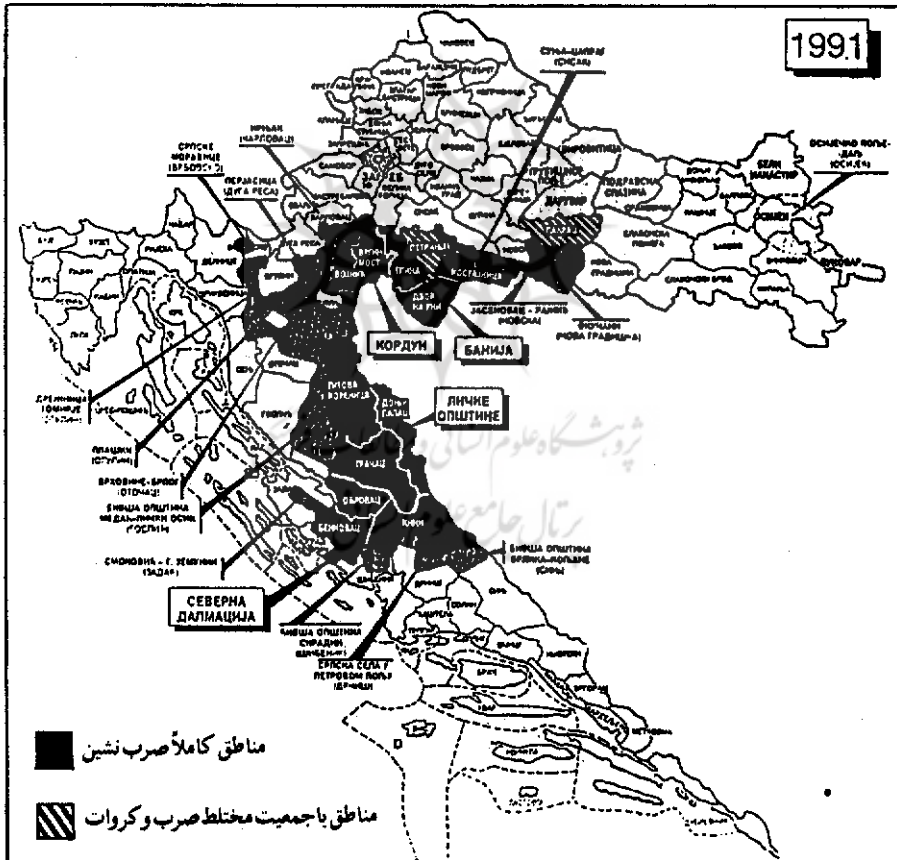
به این ترتیب اولین تاثیرات عدم مساعدت طبیعی رکود در بخش کشاورزی است هرچند که در گوشه و کنار این جمهوری تولیدات باغی و صیفی کاری آن هم در مقیاسی نه چندان وسیع مشاهده می شود. اصولاً درصحنه اقتصادی فدراسیون یوگسلاوی، این جمهوری یک مرکز بزرگ تامین کننده مواد اولیه صنعتی به حساب می آید. منابع عظیم چوب و ذغال سنگ و فعالیتهای وابسته به آن هم در اقتصاد عمومی جمهوری حائز اهمیت است و هم در به کارگماردن افراد بسیار.

کرواسی (یا هرواتسکا HARVATSKA):

با نگاهی به موقعیت جمهوریها می توان بر احاطه کرواسی بر بیش از ۹۰٪ مجموع سواحل آدریاتیک و جزایر پراکنده در حاشیه ساحل پی برد. طول سواحل پرتضاریس مربوط به کرواسی به ۱۷۷۸ کیلومتر می رسد، که اگر سواحل جزایر متعددی را که تعداد آنها به ۱۱۸۵ جزیره می رسد را نیز به حساب آوریم این طول به ۵۷۹۰ کیلومتر می رسد. سواحل طولانی فوق از ارکان اصلی صنعت توریسم برای کرواسی به حساب می آید. (نقشه شماره ۲ گویای گسترده گی فوق العاده کرواسی در طول سواحل آدریاتیک است به گونه ای که هیچ گونه امکانی برای برخورداری دیگر جمهوریها از آبهای آزاد باقی نگذاشته است.)

کرواسی صرفاً در برگیرنده کرواتها نیست بلکه از جمعیت ۴۶۰۱۴۶۹ نفری آن نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر صرب، ۳۸۰۰۰۰ نفر مسلمان و اقلیتهایی با ملیتهای مجاری، و ایتالیایی و

اتریشی می باشد. تعداد قابل ملاحظه صربها و تمرکز مکانی آنها در محدوده های خاصی از کرواسی و تاریخ پر از اختلاف و درگیری آنان با کرواتها که آخرین آن کشتار صربها توسط دولت مستقل کرواسی حمایت شده از سوی نازیها در خلال جنگ جهانی دوم است به حضور آنان در این جمهوری شرایطی خاص بخشیده است. (نقشه شماره ۵) مراکز صرب نشین در کرواسی را که صحنه زدوخوردهای شدید در تابستان ۱۹۹۱ بود نشان می دهد. (کرواسی بعد از صربیا وسیعترین (۵۶۵۳۸ کیلومتر مربع) و پر جمعیت ترین جمهوری محسوب می شود.



نقشه شماره ۵- موقعیت مکانی صربها در غرب جمهوری کرواسی

فرهنگ عثمانی تا دروازه‌های کرواسی پیش رفت ولی هیچ‌گاه آن را تحت تاثیر قرار نداد. و در عوض بارها توسط دول اروپایی بخصوص امپراتوری اتریش مجارستان که از قرن سیزدهم تا سال ۱۹۱۸ در کرواسی باقی ماند اشغال شد. موقعیت جغرافیایی کرواسی به گونه‌ای بود که دستیابی به آن برای امپراتوری فوق ارزشهای فراوانی از نظر ارتباط دریایی و نظامی داشت ولی با درگیر شدن در جنگ جهانی اول و شکست امپراتوری اتریش-مجارستان کرواسی به آزادی دست یافت. بعد از آن همان‌گونه که قبلاً گفته شد این جمهوری به اتفاق دو جمهوری دیگر تشکیل پادشاهی یوگسلاوی را دادند که تا سال ۱۹۴۵ دوام یافت و پس از آن و تا کنون (۱۹۹۱) در فدراسیون یوگسلاوی جای دارد.

در این جمهوری صنعت دارای زمینه‌های سنتی و با سابقه می‌باشد، بخصوص در صنایع دریایی که با وجود بزرگترین بنادر یوگسلاوی نظیر اسپلیت (SPLIT) زادار (ZADAR) و شینیک (ŠIBENIK) نزدیک به ۸۰٪ فعالیت کشتی‌سازی را به خود اختصاص داده است. تیتوکه خود یک کروات بود هرچند برای حفظ یکپارچگی فدراسیون ظاهراً نظر خاصی به کرواسی نداشت و بلگراد مرکز صربیا را به عنوان پایتخت انتخاب کرد ولی با این حال نسبت به توسعه عمومی کرواسی و تبدیل آن به یک جمهوری پیشرفته بی تفاوت نبود.

از ویژگیهای اقتصادی کرواسی می‌توان به سه‌گانه بودن ارکان اقتصادی یعنی سه‌بخش صنعت، کشاورزی و توریسم اشاره کرد. اشتغال به‌طور مطلق در انحصاریکی از این سه‌بخش نیست و تقریباً به صورتی متعادل تقسیم شده است. هرچند که اشتغال روستایی-کشاورزی همزمان با توجه بیشتر به صنعت و شهرها و درآمدهای شهری و کاردر دیگر کشورهای اروپایی دچار کاهش شده است. از سوی توریسم به صورت بزرگترین منبع درآمد ارزی از موقعیت بالایی برخوردار است. به صورتی که در سال ۱۹۸۸ و قبل از بروز آشفته‌گیهای قومی ۱۰٪ درآمد عمومی جمهوری را تامین می‌کرد.

در پافشاری کرواسی برای حصول به استقلال دقیقاً به این نکته توجه می‌شود که با داشتن منابع طبیعی و انسانی اولاً یک خودکفایی نسبی وجود دارد و ثانیاً در تقسیم درآمدهای ملی بین جمهوریهای شش‌گانه سهم کرواسی بیش از آن است که اکنون عاید آن می‌شود و داشتن استقلال آینده‌بهتری را برای آن به همراه خواهد داشت.

اسلاونی:

در بررسی مسائل این جمهوری که نام محلی آن اسلاوینیا است قبل از هر چیز باید به مهمترین ویژگی آن یعنی موقعیت ترانزیتی اشاره داشت. از یک سو نزدیک به ۹۰٪ کلیه رفت و آمدهای زمینی و هوایی از غرب به شرق و از شمال (بخصوص اتریش به سوی بنادر دریای آدریاتیک از طریق این جمهوری نه چندان وسیع (۲۰۲۵۱ کیلومتر مربع) صورت می‌گیرد و از سوی دیگر مرزهای فدراسیون یوگسلاوی بازم از طریق این جمهوری با کشورهای اتریش و ایتالیا و به طور کلی غرب اروپا مرتبط می‌شود.

اسلاونی جمعیتی نسبتاً متجانس دارد به گونه‌ای ۹۰/۵ درصد جمعیت آن را اسلاونها (۱۷۱۲۴۴۴۵ نفر) و فقط ۹/۵ درصد دیگر از ۱۸۹۱۸۶۴ نفری آن را اقلیتهای قومی دیگر تشکیل می‌دهند، بدین ترتیب که مجموعه‌ای از: ۵۵۶۲۵ نفر کروات (۲/۵ درصد)، ۴۲۱۸۲ نفر صرب (۲ درصد)، ۲۶۲۶۳ نفر یوگسلاو (۱/۴ درصد)، ۱۳۴۹۶ نفر مسلمان (۰/۷ درصد)، ۹۴۹۶ نفر مجار (۰/۵ درصد) و جمعیتی از ژرمن‌ها (اتریشی الاصل و آلمانی الاصل) و ایتالیایی به عنوان اقلیت‌ها شناخته می‌شوند. تراکم جمعیت نیز حالتی استثنایی دارد و به رقم ۹۳ نفر در کیلومتر مربع (در مقابل ۸۸ نفر کل کشور) می‌رسد.

پراکندگی جمعیت در اسلاونی از شرایط توپوگرافیک تابعیت می‌کند به گونه‌ای که با غلبه شدید ناهمواریها، ساکنان اولیه آن یعنی اسلاوها به دنبال مسطحترین مناطق بوده و هر جا به نقطه‌ای صاف و هموار رسیده‌اند در آنجا مستقر شده و از آن جا که این نوع محدوده‌ها در اسلاونی کمتر به چشم می‌خورد با نگاه به نقشه دموگرافیک موجود متوجه عدم تعدد در مراکز جمعیتی شهری و روستایی می‌شویم. در این میان دو شهر لوبلیانا (LUBLJANA) و مریبور (MARIBOR) بزرگترین دشتهای واسطه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند.

این جمهوری نظیر کرواسی زیر سلطه امپراتوری عثمانی نرفت ولی قدرت‌های ناحیه‌ای اروپایی نظیر جمهوری ونیز و باواریا و بویژه امپراتوری اتریش- مجارستان قرن‌ها بر این قسمت حاکمیت داشتند. حکومت محلی باواریا از قرن هفتم و همزمان با ورود اسلاوها به اسلاونی بر آن دست یافت و تا قرن سیزدهم و ورود امپراتوری اتریش- مجارستان به حضور خود ادامه داد. بعد از آن و از سال ۱۹۱۸ به بعد اسلاونی در زمره جمهوریهای سه گانه

پادشاهی یوگسلاوی قرارگرفت که عمر این حکومت نیز با تشکیل فدراسیون یوگسلاوی در سال ۱۹۴۵ به سررسید.

متاثر از همجواری با دول ژرمنیک اروپا و اقامت طولانی نیروهای آنان فضای فرهنگی اسلاونی به کلی با آنچه که در شرق کشور مشاهده می شود متفاوت است. شاخصهایی از فرهنگ باروک اروپای مرکزی در کنار اسلوب خاص زندگی مردمان اسلاو چهره شهرها و روستاهای آن را عموماً حالتی ویژه بخشیده است. و اگر درصد منطقه بندی فرهنگی یوگسلاوی برآییم، این جمهوری- یک منطقه فرهنگی کاملاً مجزا خواهد بود.

با توجه به شرایط طبیعی و انسانی موجود اسلاونی نقشی در اقتصاد کشاورزی کشور ندارد در عوض در برگرنده پیچیده ترین و تکنولوژی برترین صنایع یوگسلاوی می باشد. (در شرایط فعلی منابع اولیه صنعتی که اسلاونی چندان بهره ای از آن ندارد از دیگر نقاط وارد می شود.) تنها نیروگاه اتمی کشور نیز که احداث آن با اعتراضات دول همسایه همراه بود در کرچکا (KRSKA) و با تکنولوژی بومی به کار افتاده است.

به طور کلی آنچه که درباره اقتصاد اسلاونی می توان بیان کرد این است که برخوردار از نیروی انسانی صنعتی و زمینه های تاریخی و سنتی فعالیت در صنایع و همجواری با کشورهای بزرگ صنعتی اروپا و بالاخره محروم بودن از داشتن یک کشاورزی قابل ملاحظه باعث شده تا این جمهوری در اقتصاد عمومی کشور نقشی اساسی و استراتژیک داشته باشد. (در مقام مقایسه می توان موقعیت آن را با نقش جمهوریهای کوچک: لیتوانی، لتونی و استونی قبل از استقلال آنها در ماه اوت ۱۹۹۱ در تولیدات صنعتی اتحاد شوروی یکسان دانست).

اسلاونی به علت خصوصیات اقتصادی فوق و جمعیت نه چندان بالا بیشترین میزان درآمد سرانه را در فدراسیون یوگسلاوی به خود اختصاص داده است. (هر چند که در سالهای اخیر آمار دقیقی از درآمد سرانه کشور ارائه نشده است ولی به طور کلی هر چه از غرب به سوی شرق پیش برویم از درآمد سرانه کاسته شده و از ۵۰۰۰ دلار برای اسلاونی به ۲۰۰۰ دلار در کسوو یعنی به حداقل خود می رسد (۱۹۹۱)).

توریسم را باید از دیگر منابع درآمد اسلاونی دانست. علی رغم داشتن یک ساحل ۲۰ کیلومتری از دریای آدریاتیک (نقشه شماره ۲) توریسم تابستانی فعال و پرسود می باشد و به همراه توریسم زمستانی که براساس بهره برداری از بدایع و امکانات استفاده از مناطق وسیع

کوهستانی که ۷۴٪ مساحت اسلاونی را پوشانده‌اند و همچنین چشمه‌های فراوان آب معدنی و هزینه نازل اقامت گسترش یافته است، اشتغال و درآمدهای فراوانی را باعث شده است.

یادآوری می‌شود که ناهمواریهای اسلاونی متراکمترین بخش از شاخه مرکزی آلپ است که به سوی جنوب شرق کشور کشیده می‌شود. آلپ اسلاونی در تغذیه رودخانه ساوا (SAVA) که از دو شهر لوبلیانا و زاگرب می‌گذرد و همان گونه که گفته شد در بلغراد به دانوب می‌پیوندد دارای اهمیت فراوانی است و بلندترین قله یوگسلاوی با نام تریگلاو (TRIGLAV)، با ارتفاع ۲۸۶۴ متر را در خود جای داده است.

منطقه خودمختار کُسوو (KOSOVO):

این منطقه قومی (ETHNIC REGION) در جنوب جمهوری صربیا یکی از دو منطقه خودمختار فدراسیون یوگسلاوی به حساب می‌آید که شامل یک جمعیت قابل ملاحظه آلبانیایی تبار است. از ۱۶۰۰۰۰۰ نفری که در کُسوو زندگی می‌کنند ۹۰ درصد را آلبانیایی تبار و فقط ۱۰ درصد از اقوام دیگرند که بیشتر صرب و مونته‌نگرویی می‌باشند، در حالی که بعد از جنگ جهانی دوم تعداد صربها و آلبانیاییهای کُسوو برابر بوده است. صربها و دیگر اقلیتها بتدریج با تشدید شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی از این منطقه بحران زده مهاجرت کرده و آن را به اهالی اصلی آن سپردند. در سال ۱۹۷۴ و در زمان حکومت تیتو با افزودن یک اصل به قانون اساسی، حق خودمختاری هم به کُسوو و هم به وی و دینا داده شد. خودمختاری کُسوو که به دنبال خود رسمیت یافتن زبان آلبانیایی و امکان انتشار جراید به زبان محلی و به طور کلی تثبیت فرهنگ آلبانیاییها را به همراه داشت از یک طرف باعث رضایت ساکنان اصلی و آرامش نسبی اوضاع اجتماعی شد و از طرف دیگر روند مهاجرت و تخلیه کُسوو به وسیله دیگر جوامع را شدت بخشید. در کُسوو این واقعیت فرهنگی وجود دارد که هم زیستی بین صربها و مونته‌نگروییها که دارای مذهب ارتدکس هستند در کنار ساکنان بومی کُسوو که ۹۵٪ آنها مسلمان است و خود را قلاً متعلق به کشوری دیگر می‌دانند چندان آسان نیست.

در زمینه مسائل اقتصادی باید گفت که این منطقه دارای ضعیفترین و پایین‌ترین نقش در اقتصاد ملی است. کشاورزی نه چندان پیشرفته تنها منبع درآمد و اشتغال محسوب

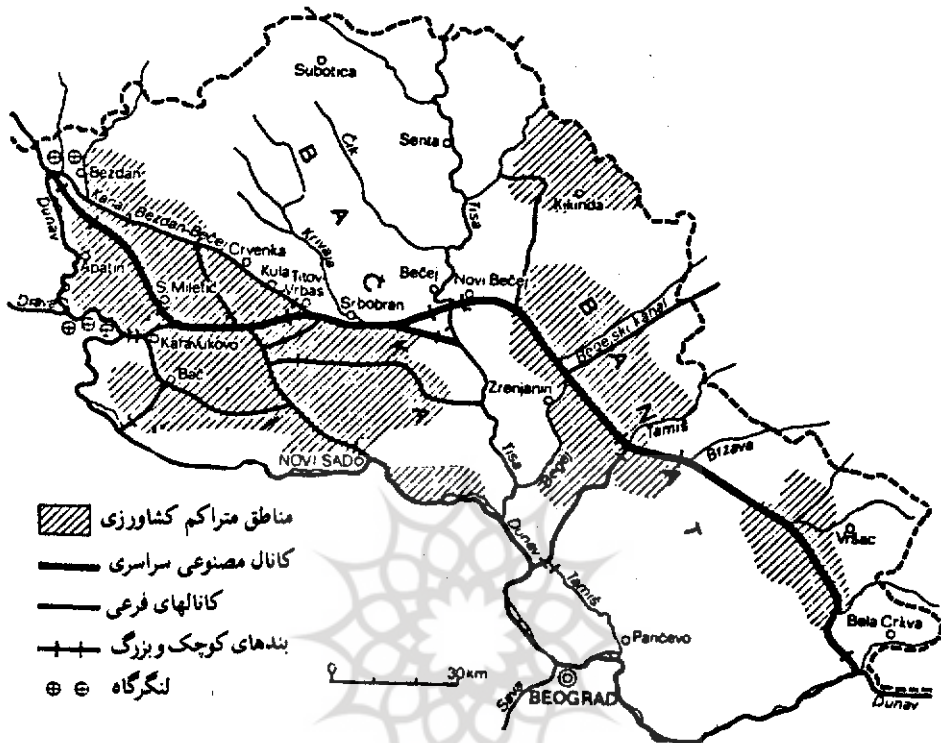
می شود، میزان درآمد سرانه به حداقل خود در کشور می رسد، مهاجرت از روستا به سوی شهرها و بخصوص پریشتینا (PRISTINA) مرکز کسوو معضلات فراوانی برای این شهر ایجاد کرده است. (معمولاً مرحله بعد مهاجرت فوق خروج از کسوو و روی آوردن به دیگر مناطق یوگسلاوی به ویژه شمال آن است که در صورت عدم امکان اقامت نهایتاً راه دیگر کشورهای اروپایی و بخصوص آلمان در پیش گرفته می شود.) به طور کلی طبیعت نامساعد و تنشهای اجتماعی و بی ثباتی سیاسی و همان گونه که گفته شد بحران اقتصادی همگی به وضوح در کسوو به چشم می خورند و هرچند که مسائل مربوط به دو جمهوری کرواسی و اسلاونی تاحدی آشفتگیهای کسوو را به فراموشی سپرده است ولی شرایط انفجارآمیز هم چنان ادامه دارد.

نکته دیگر این که در چند دهه بعد از جنگ جهانی دوم علی رغم تمامی مشکلات ساکنان کسوو علاقه چندانی به پیوستن به سرزمین اصلی خود، آلبانی درسوی دیگر مرز نشان نداده اند. دلیل اصلی آن نیز شرایط نامساعدتر و به مراتب بدتری است که در این کشور حاکم است. تحولات اخیر در آلبانی و برجیده شدن نظام استالینی احتمالاً در روابط بین اهالی کسوو و سرزمین اصلی آنها بی تاثیر نخواهد بود.

منطقه خودمختاری ویدینا (VOJVODINA):

این محدوده «اتونوم» در شمال صربیا با اقلیت قابل ملاحظه مجاری نژاد خود برخلاف کسوو به عنوان بزرگترین مرکز کشاورزی مدرن و چند کشتی یوگسلاوی شناخته می شود. وی ویدینا در واقع دربرگیرنده وسیعترین دشت کشور است که دنباله آن از شمال و جنوب به دشتهای جنوب مجارستان و شرق جمهوری کرواسی می رسد و این منطقه به علت عبور رودخانه دانوب و شعب گسترده آن، اقلیم مناسب و سیاستهای دولت مرکزی و جمهوری صربیا در مسیر توسعه، قدمهای سریعی برداشته است. این سرزمین حاصلخیز با وسعت ۲۱۵۰۶ کیلومتر مربعی خود نزدیک به ۱۸۰۰۰۰۰ هکتار مربع زمین قابل کشت دارد که در سالهای عادی ۱۶۴۰۰۰۰ هکتار مربع آن، یعنی ۲۱/۴ درصد کل اراضی زیرکشت یوگسلاوی، مورد بهره برداری است. (نقشه شماره ۶)

در کناریک کشاورزی مولد به علت وجود منابع گاز و نفت، قریب به ۸۰٪ صنایع مربوط به این دو ماده سوختنی نیز در وی ویدینا متمرکز شده اند. برطبق آخرین آمار که



نقشه شماره ۶- وی و دینا وسیعترین منطقه کشاورزی یوگسلاوی

دراختیار نگارنده بود در سال ۱۹۸۳ از کل تولید یوگسلاوی، $\frac{۱۱}{۸}$ درصد مربوط به این منطقه می باشد در حالی که همین رقم برای یوگسلاوی در همان سال به ۲ درصد می رسد. جمعیت ۲۰۳۴۷۷۲ نفری آن را ترکیبی از ۱۱۰۷۳۷۵ نفر صرب ($\frac{۵۴}{۴}$ درصد) ۳۵۸۳۵۶ نفری مجاری تبار (۱۹ درصد)، ۱۰۹۲۰۳ نفر کروات ($\frac{۵}{۴}$ درصد) و اقلیتهای کمتری از اسلاواکها و رومانیایی نژادها می باشد. مشاهده می کنیم که بازم ترکیبی از جوامع گوناگون در یک محدوده جغرافیایی استقرار یافته اند ولی نسبت به سایر مناطق این تفاوت وجود دارد که بسیاری از اقلیتهای موجود در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم وارد وی و دینا شده اند که علت اصلی آن را می توان شکوفا بودن شرایط اقتصادی و امکانات اشتغال دانست.

بزرگترین مشکل کشاورزی وی و دینا در سالهای اخیر آلودگی روزافزون رودخانه

دانوب است که قبلاً از کشورهای آلمان، اتریش و مجارستان گذشته و همراه با آلودگیهای عمده صنعتی به یوگسلاوی می رسد. در خود یوگسلاوی نیز به دلیل تمرکز انواع صنایع آلوده کننده نظیر پتروشیمی و پالایشگاههای نفت و گاز بر میزان آلودگی این رودخانه افزوده شده که پس از عبور از شهر بلگراد و وارد شدن مقادیر بیشتری مواد آلوده کننده به کشور بلغارستان وارد می شود. (رودخانه ساوا « SAVA » نیز که از غرب به سوی شرق یوگسلاوی جریان دارد به علت عدم توجه به مسائل حفظ محیط زیست و هزینه های بالای نصب دستگاههای تصفیه کننده از آلوده ترین رودخانه های کشور می باشد که برآلودگی دانوب، به هنگام پیوستن به آن، می افزاید.)

وی ودینا به عنوان یک منطقه مرزی مورد ادعای کشور مجارستان است، اصولاً یکی از علل توجه همیشگی این کشور، با تکیه بر استقرار یک اقلیت مجاری نژادی که در فدراسیون یوگسلاوی تحت فشار قرار دارند، دقیقاً ارزشهای اقتصادی آن به شمار می رود. در سالهایی که مجارستان خود درگیر بحرانهای اقتصادی و سیاسی بوده، جذب چندانی برای ساکنان مجار وی ودینا برای الحاق به سرزمین اصلی خود احساس نمی شد، ولی تحولات اخیر در یوگسلاوی و مجارستان اوضاع نوینی ایجاد کرده که به هر حال آینده و بقای این منطقه را در فدراسیون یوگسلاوی دچار ابهام کرده است.

نهایتاً به عنوان نتیجه گیری می توان ویژگیهای برجسته طبیعی و انسانی یوگسلاوی را به شرح زیر بیان کرد:

۱- از لحاظ توپوگرافی کشور به دو بخش کوهستانی و هموار تقسیم می شود، رشته کوه دیناریک به صورت یک دیواره نیمه شمالی را از نیمه جنوبی کشور جدا کرده، تراکم و تمرکز ارتفاعات به سوی جنوب تمایل دارد و بدین ترتیب نواحی ساحلی به صورت باریکه ای نه چندان عریض از شمال غرب به طرف جنوب شرق و به موازات کوههای دیناریک امتداد یافته است. جبهه شمالی این رشته سریعاً جای خود را به دشتهای کوچک و بزرگ می دهد که بدین ترتیب شرایط مناسبی برای سهولت در کشاورزی و تمرکز صنایع ایجاد می کنند.

۲- اقلیم به سه نوع عمده مدیترانه ای، کوهستانی و قاره ای تقسیم می شود. جمهوری اسلاونی دارای آب و هوایی کوهستانی است، جمهوریهای بوسنیا و هرزگوین نمونه نگر و مکدونیا ناشی از تاثیرات دریا و عوامل میکروکلیماتیک، بخصوص در قسمتهای جنوبی و مجاور دریا، خود دارای آب و هوایی نیمه کوهستانی هستند. زمستانهای طولانی و

تابستانهای سوزان و کوتاه از ویژگیهای آب و هوایی این مناطق محسوب می شود. آب و هوای مدیترانه ای در سرتاسر سواحل دریای آدریاتیک از شبه جزیره پلا (PULA) تا سواحل مكدونیا به خوبی قابل تشخیص است. بالاخره آب و هوای قاره ای که نیمه شمالی کشور را از جمهوری کرواسی تا شرق جمهوری صربیا دربر می گیرد. (نقشه شماره ۷).

۳- بیشترین تراکم جمعیتی در اسلاونی (۹۳ نفر در کیلومتر مربع) و کمترین آن در مونتنگرو (۴۴ نفر در کیلومتر مربع) است.

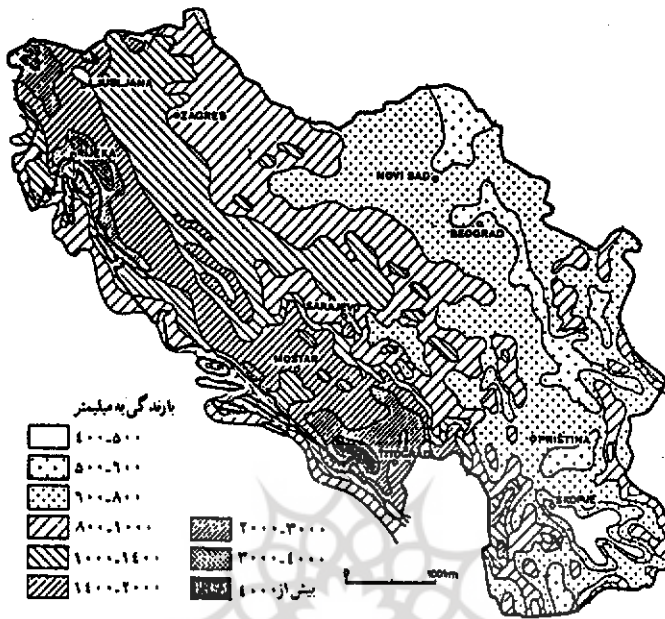
۴- نسبت جمعیت روستایی- کشاورز در مجموع جمعیت جمهوریها به ترتیب از جمهوریهای اسلاونی، کرواسی، بسنیا و هرسوگوین، صربیا (با احتساب وی ودینا)، مكدونیا، مونتنگرو و کسوو از حداقل به حداکثر می رسد. به نحوی که به بیشترین جمعیت شهری- صنعتی در اسلاونی بر می خوریم (نقشه شماره ۸)

۵- هشت دسته اصلی قومی: صرب، کروات، مسلمان، اسلاون، مكدونیایی مونتنگرویی، آلبانیایی و مجاری تبار و گروههای کم جمعیت تردیگربا نژادهای: رومانیایی، ترک، ژرمن (اتریشی و آلمانی) و ایتالیایی و اسلاواک درکناریکدیگر به سر می برند. (نقشه شماره ۹) توزیع اقوام گوناگون را که در برخی از نقاط مرزهای جمهوریها را نیز برهم زده اند بخوبی نشان می دهد.

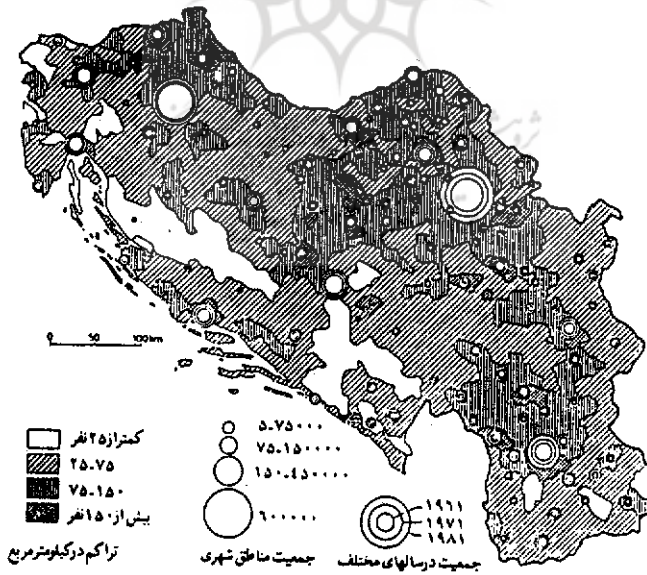
۶- بیشترین نقش را در تولید، کشاورزی و صنعتی، ملی به ترتیب اهمیت صربیا (با احتساب وی ودینا) کرواسی، اسلاونی، بسنیا و هرسوگوین، مكدونیا مونتنگرو و کسوو برعهده دارند. (۱۹۹۱).

۷- میزان درآمد سرانه به ترتیب از اسلاونی، کرواسی، صربیا (با احتساب وی و ودینا) بسنیا و هرسوگوین، مكدونیا، مونتنگرو و کسوو از حداکثر به حداقل می رسد. (۱۹۹۱).

۸- جمهوریهای یوگسلاوی به دوبخش عمده صنعتی و کشاورزی تقسیم می شوند: اسلاونی، کرواسی صنعتی ترین جمهوریها هستند و بیشترین سهم را در اشتغال صنعتی به خود اختصاص داده اند. جمهوریهای مونتنگرو و مكدونیا، بسنیا و هرسوگوین و منطقه کسوو با توجه به شاخص اشتغال و نقش درآمدی کشاورزی در رده جمهوریهای، با اقتصاد کشاورزی، قرار دارند. صربیا دارای شرایط متعادلی از لحاظ تمرکز صنعت و کشاورزی است. (۱۹۹۱)



نقشه شماره ۷ - بارندگی در مناطق مختلف یوگسلاوی



نقشه شماره ۸ - پراکندگی جمعیت در نقاط مختلف شهری و روستایی



نقشه شماره ۹- پراکندگی قومی در کشور یوگسلاوی

۹- توریسم و نقش درآمدی آن در اقتصاد یوگسلاوی جایگاه خاصی دارد که در این میان جمهوریهای کرواسی، صربیا، اسلاونی به ترتیب پذیرای بیشترین تعداد توریست می باشند. ۱۰- یوگسلاوی به همراه کشور آلبانی بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است. در آلبانی با جمعیت سه میلیون و صد و چهل هزار نفری خود سه میلیون مسلمان زندگی می کنند و در یوگسلاوی نیز با توجه به آمار موجود نزدیک به ۲ میلیون و نهصد هزار نفر مسلمان وجود دارد. (۱۹۹۱)

منابع:

- 1 - «Facts about yugoslavia», the federal secretariat for information, belgrade, 1985.
 - 2 - The economist (Magazine), august 1990.
 - 3 - Politica expressa, march 1991.
- (این مجله به صورت هفتگی در بلگراد منتشر می شود و معمولاً از مواضع صربها در جمهوری کرواسی حمایت می کند). شماره این منبع در اختیار نگارنده نبود.
- 4 - Svet danas (s), školska kniga, zagreb, 1989.
 - (این کتاب در جمهوری کرواسی چاپ و منتشر شده است.)
 - 5 - Geographical magazine, june 1990.